



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين. إنه خير ناصر ومعين الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وعلي وآلهما الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين أبد الآبدين

تعالیم اولیای حق در بیان روش صحیح سرور نمودن و مزاح

شاد نمودن و خوشرو بودن در تعالیم الهی

در سیره انبیاء و اوصیای الهی و تعالیم خازنان وحی علیهم السلام موضوع انبساط حال و خوشحالی و شادی؛ و خرسندسازی و «ادخال سرور» و شاد کردن دیگران، جزء خصلتهای مثبت و پسندیده به شمار آمده است. از مزاح و شوخ طبعی به عنوان یک خصلت مؤمنانه یاد شده است. اولیای دین و بزرگان آئین حق نیز در عمل، این گونه بوده اند.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه در او «دعابه» است. از امام علیه السلام پرسیده شد: دعابه چیست؟ حضرت فرمود: یعنی مزاح و شوخی. (بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۶۰).

دلشاد نمودن اهل حق به فرموده حضرت رسول صلی الله علیه و آله، کاری پسندیده است و در کلام مقدس از ادخال سرور در دل اهل ایمان تمجید شده است: «ان من احب الاعمال الى الله عز و جل ادخال السرور على المؤمنين»؛ از محبوبترین کارها نزد خدای متعال، وارد ساختن شادمانی بر دل مؤمنان است. (کافی، ج ۲، ص ۱۸۹).

یونس شیبانی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت پرسید: چگونه است شوخی و مزاح کردن شما با یکدیگر؟ گفتم: اندک است. حضرت علیه السلام با لحنی عتاب آمیز فرمود: چرا با هم مزاح و شوخی ندارید؟ «فان المداعبة من حسن الخلق»، شوخی و مزاح، بخشی و جزئی از خوش رفتاری و حسن خلق است و تو می خواهی از این طریق، سرور و شادی بر دل برادرت وارد کنی، پیامبر صلی الله علیه و آله هم با افراد شوخی می کرد، می خواست که آنها را شادمان سازد. (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۹۸).

نمونه هایی که از مزاحها و رفتارهای لطیفه آمیز و سخنان مطایبه انگیز حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است، نشان می دهد که آن حضرت، در عین حال که خوش رفتاری و گشاده رویی و بذله گویی داشت، از مرز حق و سخن درست فراتر نمی رفت و شوخیهایش باطل و لغو و ناروا نبود.

در کلام مقدس آمده است که حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «انی لامزح و لا اقول الا حقا»؛ من مزاح می کنم، ولی جز حق نمی گویم. این سخن، هم نشان دهنده مزاح در سیره رسول خداست، هم رعایت حد و مرز آنست. (بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۹۸).

در مورد حضرت مولا علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده که حضرتش شوخ طبع بود و یکی از دستاویزهای عوام فریبانه مخالفان برای توجیه غصب خلافت؛ همین شوخ طبعی مولا علیه السلام بود، طاغوتیان چنین وانمود می کردند که يك فرد

خوش مشرب و شوخ طبع، نمی تواند امامت مسلمین را عهده دار شود! اهل مزاح بودن و بذله گویی آن حضرت، حتی از زبان مخالفان او هم نقل شده است. عمرو عاص، معاویه و عمر (لعنهم الله)، سخنانی دارند که گویای این ویژگی در آن حضرت است.

خود حضرت مولا ﷺ با شگفتی یاد می کنند که: عمرو عاص (لعین) در منطقه شام، چنین وانمود و تبلیغات می کند که فرزند ابوطالب، مزاح گرو بذله گو است! تا چهره ناخوشایندی از وی در اذهان شامیان ترسیم کند. (نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۸۴).

معاویه ملعون گفته است: خدا ابوالحسن (حضرت مولا علی بن ابیطالب) را رحمت کند، که خندان و اهل فکاهی بود! او این جمله را با لحن می گفت که می خواست این را به عنوان عیب حضرت قلمداد کند. (بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۴۷).

درباره حضرت امام صادق ﷺ نقل شده که آن حضرت، بسیار خنده رو و شوخ طبع بود: «و کان کثیر الدعابة و التبسم». (بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۳).

در تعالیم الهی نیز توصیه شده که در مسافرت با يك جمع، برای سرور و رفع خستگی؛ از مزاح و شوخیهای سالم استفاده شود و این از آداب سفر بیان شده است.

شوخی و تفریحات سالم و مزاحهای بدون آزار و دور از تحقیر دیگران و پرهیز از استهزاء مردم، به زندگی فردی و اجتماعی نشاط می بخشد و موضوع مهم «طتر» نیز به نحوی در قلمرو شوخی و مزاح قرار می گیرد، به شرط آنکه نگاه جدی به زندگی، آسیب نبیند و حیات بشری به بازیچه و لودگی و هرزگی کشیده نشود. عاقلان، در هر شوخی و هزل هم، يك سخن جدی می یابند و ازورای مزاح، به حقایق می رسند، اما غافلان، جدی ترین مسایل حیات را نیز به بازی می گیرند.

حد و مرز شوخی

انسانها از نظر تحمل شوخی یکسان نیستند. بعضیها ظرفیت لازم برای مزاح ندارند، در نتیجه شوخی به جای دلشاد کردن، کینه و کدورت می آورد و به جای غم زدایی، اندوهزا می شود.

ولذاست که اگر مطایبه و شوخی در غیر موضع مناسب باشد و یا از مسیر صحیح خارج شده و به کلام هزل و بیهوده و سخره و دروغ و زشت بیالاید، این دیگر منفی بوده و ناپسند است، و آثار سوء و عوارض تلخ دارد. و آنجا که نمی شده از «کثرت مزاح» به سبب آلوده شدن یا در معرض این آلودگی قرار گرفتن است، با سیری گذرا در برخی از کلمات خازنان وحی ﷺ می بینیم که در برخی موارد اساسا از مزاح، نمی کنند، یا از افراط در شوخی بر حذر می دارند، یا به عوارض و پیامدهای اخلاقی و اجتماعی زیاده روی در مزاح یا شوخیهای بی حساب و لجام گسیخته و بی ملاحظه نسبت به حیثیت و آبرو و شخصیت دیگران اشاره دارد. با توجه به اینکه دین، مزاح را از اخلاق شایسته يك مؤمن می داند، نمی از مزاح در موارد دیگر، جای تأمل داشته و بیانگر نوع نادرست آن یا موارد ناجای آن می باشد.

حضرت امام باقر ﷺ به حمران بن اعین فرمود: «ایاک و المزاح، فانه یذهب هیبة الرجل و ماء وجهه»؛ از شوخی پرهیز، چرا که شوخی هیبت و آبروی انسان را می برد. (بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۶۰).

حضرت امام صادق ﷺ فرمود: «لا تمزح، فیذهب نورک»؛ شوخی مکن، که فروغت می رود. (بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۵۸).

حضرت رسول خدا ﷺ فرمود: «كثرة المزاح تذهب بماء الوجه و كثرة الضحك تمحو الايمان»؛ شوخی بیش از اندازه و بسیار، آبرو را می برد و خنده زیاد، ایمان را محو می کند. (بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۵۹).

در آداب و اخلاق مسافرت، در احادیث متعددی، چند چیز جزء جوامردی و فتوت به شمار آمده است، یکی هم مزاح است، اما به شرطی که معصیت و گناه نباشد، یا موجب خشم و نارضایی پروردگار نگردد. ولذا در عناوین ابواب کتابهای بزرگان اهل با این عنوان ذکر شده است: (المزاح فی غیر المعاصی. كثرة المزاح فی غیر ما یسخط الله عزو جل. (بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲۶۶).

در سخنی هم حضرت امام صادق علیه السلام فرموده است: «ان الله یحب المداعب فی الجماعة بلا رفث»؛ خداوند، شوخ و مزاح کننده و بذله گو در میان جمع را دوست می دارد، اگر به گناه کشیده نشود. (بحارالانوار، ص ۶۰).

حضرت امام کاظم علیه السلام نیز در توصیه به یکی از فرزندان چینی می فرماید: «... ایاک و المزاح، فانه یدهب بنور ایمانک و یستخف مروتک»؛ از شوخی پرهیز کن، که نور ایمانت را می برد و مروت تو را سبک می سازد. (بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۳۹۵). حضرت امام زین العابدین علیه السلام در حدیث بلندی که به خصلت های گناهان و آثار و عواقب سوء آنها پرداخته، از جمله گناهانی را که پرده حیا و عصمت را می درد، و در عداد شرابخواری و قماربازی؛ پرداختن به لغویات و شوخی های بلطلی را می شمارد که برای خندانیدن مردم به کار گرفته می شود. (بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۷۵).

حضرت امام علی (ع) فرموده است: «من کثر مزاحه استخف به و من کثر ضحکه ذهبت هیئته»؛ کسی که زیاد شوخی کند، به سبب همان، سبک می شود و هر که زیاد بخندد، هیئتش می رود. (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۵).

اگر در حدیث است که: «الکامل من غلب جدّه هزل»؛ کامل کسی است که «جدّی» او بر «شوخی» اش غلبه و فزونی داشته باشد، نفی اصل شوخی و مزاح و هزل را نمی کند، بلکه شوخی های بی رویه و مزاح های خارج از حد را می گوید که «جدّیت حیات» را تحت الشعاع قرار می دهد. (غدرالحکم).

بلکه مشایخ اهل حق؛ وسیله رسیدن به شهود و کمالات معنوی را؛ اجتناب از این نحو شوخی ها دانسته اند، مولوی می گوید: گوش سر بر بند از هزل و دروغ === تا ببینی شهر جان را با فروغ.

شوخی های بد فرجام

وقتی شوخی، از مرز اعتدال فراتر رود و به افراط کشیده شود، موجب تحقیر و اهانت می گردد و طرف شوخی بر می آشوبد و در دفاع از آبروی خود و حفظ موقعیتش به معارضه و برخورد می پردازد. اینجاست که شوخی تبدیل به کدورت و دشمنی می شود.

نمونه های فراوانی می توان یافت که يك مزاح بیجا و نسنجیده که بی حرمتی به کسی یا گروهی تلقی شده است، خشم آنان را برانگیخته است. در ضرب المثل های ما تعبیری همچون «شوخی شوخی آخرش به جدی می کشد» وجود دارد که گویای عواقب ناهنجار برخی شوخی هاست. همین مضمون در مثل های عربی نیز آمده است: «المزاح مقدمة الشر». (امثال و حکم، ج ۲، ص ۱۰۳۳).

رعایت مخاطب و موضع مناسب مزاح

بسیاری از افراد عامی؛ قدرت تحلیل مسائل و تشخیص شرایط مختلف و جدا نمودن عناوین و جایگاههای گوناگون را از یکدیگر نداشته، و نمی توانند شرایط مناسب را بسنجند، ولذا اگر با شخصی ارتباط دوستانه و راحت پیدا کنند، در شرایط جدی و رسمی نمی توانند برخورد جدی و رسمی مناسب را داشته و رعایت لازم را بنمایند، ولذاست که در آداب مزاح تناسب طرفین و شؤون باید رعایت شود، و از این روست که به عموم مردم توصیه شده است که شخص با بزرگتر خود یا کوچکتر از خود، شوخی نکند؛ که موجب جدی نشمردن وی در وقتش شود، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «لا تمازح، فیجترء علیک»؛ شوخی مکن، که بر تو گستاخ می شوند. این، اشاره به از بین رفتن مهابت و حرمت مزاح کننده دارد که وقتی شوخی با مخاطب نامتناسب نمود، در نظر مخاطب حریم خود را شکسته و اهت و وقار خویش را زیر پا گذاشته، و از اینجا راه برای دیگران باز می شود که به حرمت شکنی بپردازند. (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۰).

در حدیث دیگری که حضرت امام صادق علیه السلام به «مؤمن الطاق» دارد به آثار سوء و خلاف انگیز مزاح اشاره دارد. حضرت علیه السلام ضمن وصایای مفصلی به وی، می فرماید: «ان اردت ان یصفو لك وداخیک فلا تمازحنه و لا تمارینه و لا تباهینه و لا تشارنه»؛ اگر می خواهی دوستی برادرت با تو صاف و زلال و بی آرایش بماند، با او شوخی، جدل، مفاخره و محاصمه و کشمکش مکن. روشن است که این چهار عمل، گاهی نوعی تعرض به حریم شخصیت دیگری محسوب می شود و آن صفای برادری و دوستی را می آلود. (بحارالانوار، ص ۲۹۱).

به هر حال، در شوخی کردن با دیگران، هم باید ظرفیت طرف مقابل سنجیده شود، هم از افراط و زیاده روی پرهیز گردد، هم از تحقیر و توهین و استهزاء دیگران اجتناب شود، هم وقار و هیبت خود شخص محفوظ بماند. نشان دادن کل لبخند به چهره ها به قیمت خورد کردن شخصیت خود یا يك شخص محترم دیگر صحیح نبوده، و ایجاد شادی در عده ای به بهای غمگین ساختن يك مؤمن، درست نیست.

این نکات در انواع اظهار (طعنه از گفتاری و رفتاری و نوشتاری و کاریکاتور و برنامه های فکاهی و عروسکی نمایشی یا سینمایی ساری و جاری می باشد).

اعتدال در هر امری پسندیده است، در مزاح و شوخی نیز همچنین، این نکات رعایت شود تا معاشرتها پاک و دوستیها با دوام و رابطه ها صمیمی و برادرانه باشد. ان شاء الله تعالی.

والحمد لله رب العالمین